

## نگته بازی

## بیاید که چه بشود؟

بعد از آنکه جانی اینفانتینو، رئیس فیفا تصویری از یک زمین زیبای فوتبال را در لاهیجان استوری کرد، رسانه‌های داخلی به این موضوع پرداختند و خیرش را منتشر کردند. اینجا بود که مهدی تاج بلافاصله احساس وظیفه کرد اینفانتینو را به لاهیجان دعوت کند. آقای تاج تا به حال بارها در مورد رفاقتش با رئیس فیفا حرف زده و این دعوت هم در همان راستا بود. این وسط فقط یک سؤال ساده به‌وجود می‌آید؛ اینکه آمد و رفت‌های قبلی بین تاج و اینفانتینو چه سودی برای فوتبال کشورمان داشته است؟ ما چه نفعی از سفرهای قبلی رئیس فیفا به ایران بردیم که حالا از این یکی ببریم؟ تمام پاداش‌هایمان که در فیفا بلوکه است، حق میزبانی هم که نداریم، عراق بیخ گوش‌مان با اسم جعلی تورنمنت برگزار می‌کند، خب پس این رفاقت شما با اینفانتینو به چه دردی می‌خورد؟ بگذارید بعد از بازنگستی، هر جا خواستید با هم بروید!

## شما هم بله؟

بعد از اظهارات انتقادی جواد خیابانی در مورد وضعیت و حواشی تیم ملی، تقریباً تمامی ارکان فدراسیون و تیم ملی مأمور شدند جواب این مجری و گزارشگر تلویزیونی را بدهند؛ از رحمان رضایی و هومن افاضلی به‌عنوان دستیاران امیرقلعه‌نویی گرفته تا خود مهدی تاج. بازیکنان هم البته جسته و گریخته به دفاع از تیم ملی پرداختند که در این میان جالب‌ترین نمونه، مربوط به سامان قدوس بود. کمتر کسی می‌توانست تصور کند هافبک پیشین برنتفورد که سابقه کار با مربیان مهم اروپایی را در کارنامه دارد، از قلعه‌نویی به‌عنوان یکی از بهترین مربیان عمرش یاد کند، اما خب این اتفاق افتاده و نشان می‌دهد سامان قدوس هم به‌اصطلاح بله! امیدواریم که همه این حرف‌ها از ته دل بوده باشند، هرچند فکر می‌کنیم الان اگر وحید بیاتلو هم سرمربی تیم ملی شود، بعضی از این دوستان همین حرف‌ها را در مورد او خواهند زد!

## ببینید و یاد بگیرید

این خبر شاید برای جهان فوتبال بسیار معمولی و متداول باشد، اما برای ما در ایران یک خبر خاص است؛ اینکه خانم مالا گروس، دروازه‌بان تیم زنان بایرن‌مونیخ به بیماری سرطان مبتلا شده و باشگاه آلمانی بلافاصله قرارداد او را برای ۲ فصل دیگر تمدید کرده تا صرفاً روی درمانش متمرکز شود. روشن است که این ورزشکار با شرایط فعلی‌اش نمی‌تواند برای بایرن به میدان برود، اما باشگاه در راستای تعهدات اخلاقی و اجتماعی‌اش چنین می‌کند. به جرأت می‌توان گفت تأثیر مثبت این اقدام از نظر روحی و روانی، برای آن خانم بیمار به اندازه‌قوی‌ترین قرص و آمپول‌ها خواهد بود، چرا که حس می‌کند تنها نموده و حمایت می‌شود. حالا خودتان مقایسه کنید با بعضی نمونه‌ها که در فوتبال ایران داریم. اصلاً نمی‌خواهیم مثال خاصی بزنیم، اما ببینید ما با این همه ادعا چه می‌کنیم و آنها چه می‌کنند.

## آمار بازی

## عبور بیرو از رحمتی

علیرضا بیرانوند که هفته گذشته به رکورد ۷۶ بازی ملی مهدی رحمتی رسید، این هفته در صورت بازی مقابل قرقیزستان فرصت دارد از این رکورد عبور کند و در چند قدمی رکورد احمدرضا عابدزاده قرار بگیرد. عابدزاده در بین دروازه‌بانان تاریخ تیم ملی، صاحب بیشترین بازی ملی بوده؛ با ۷۹ بازی. عابدزاده در ۱۱ سال توانست این تعداد بازی را برای تیم ملی انجام دهد و حالا بیرانوند در ۹ سال توانسته ۷۶ بازی برای تیم ملی به میدان برود. این در حالی است که رحمتی در ۸ سال، ۷۶ بازی برای تیم ملی انجام داد و شاید اگر اختلافاتی با کی‌وش نبود، رکورد عابدزاده را خیلی زودتر از اینجا شکسته بود. با توجه به وضعیتی که بیرانوند در سال‌های اخیر داشته، پیش‌بینی می‌شود او به اولین دروازه‌بانی در تاریخ تیم ملی تبدیل شود که به رکورد ۱۰۰ بازی می‌رسد.



## در انتظار سکانسی آخر

## محمد محبی با ۶ گل در ۷ بازی ملی از بهترین

## گلزن‌های سال ۲۰۲۴ بوده و حالا مشخص نیست به بازی این هفته می‌رسد یا نه

محمد محبی در آخرین بازی تیم ملی ایران مقابل کره شمالی ۴ گل زد و برترین چهره میدان هم لقب گرفت اما یک مصدومیت مشکوک احتمالاً باعث خواهد شد او دیدار بعدی تیم ملی یعنی بازی با قرقیزستان را از دست بدهد. البته او در تمرین روز گذشته تیم ملی، حضوری مؤثر داشت و هیچ بعید نیست با کمک کادر پزشکی به بازی این هفته برسد. این در حالی است که محبی یکی از پرکارترین بازیکنان تیم ملی در دوره کاری امیرقلعه‌نویی و به‌خصوص در آغاز دوران سرمربیگری این چهره بود. محبی مجموعاً ۱۰ گل ملی زده که ۸۰ درصد آنها در دوره سرمربیگری امیرقلعه‌نویی و ۶۰ درصد آنها در همین سال میلادی ۲۰۲۴ به ثمر رسیده‌اند.

محبی نخستین بار سال ۲۰۱۹ و در دوره سرمربیگری مارک ویلموتس بازیکن فیکس تیم ملی شد. ویلموتس عقیده زیادی به این بازیکن داشت و محبی که آن دوران در اسپاهان بازی می‌کرد، در جریان پیروزی ۱۴ بر صفر مقابل کامبوج نخستین بازی و نخستین گل‌های ملی‌اش را تجربه کرد. او سپس مقابل بحرین و عراق هم فیکس بازی کرد که البته آن بازی‌ها با شکست تیم ملی همراه شد و تجربیات تلخی را در نخستین بازی‌های ملی برای او رقم زد. با آن شکست‌ها و ویلموتس از تیم ملی رفت و محبی هم بعد از ۳ بازی در ترکیب اصلی ۴ سال از تیم ملی دور ماند چون اسکوچیچ کوچک‌ترین اعتقادی به او نداشت. اما بعد از جام جهانی ۲۰۲۲ و به

## جام ماندن از جام جهانی؟

شاید بازی با کره شمالی به قیمت از دست رفتن یک رؤیا برای شجاع خلیل‌زاده تمام شود

اگر چه مهدی طارمی به‌عنوان کاپیتان و شاید هم بزرگ‌تر خود خوانده تیم ملی بعد از بازی با کره شمالی در میکسدزون حاضر شد و گفت: «همه تیم مقصر بودند»، تردیدی نیست که نسبت گناه‌ها با هم فرق دارد و اسم شجاع خلیل‌زاده سرلیست کسانی قرار می‌گیرد که با لغزش خود، این بازی را سان را حساسی سخت کردند. شجاع در نخستین دقایق نیمه‌دوم، در شرایطی که مجموعه تیم ملی حساسی از نتیجه به‌دست آمده در نیمه‌نخست سر مست بود، به‌خاطر خطا روی بازیکن حریف کارت قرمز مستقیم گرفت و از اینجا به بعد ورق برگشت؛ ملی‌پوشان ۲ گل خوردند، یک‌بار در یک دروازه‌شان لرزید و کاملاً خوش‌شانس بودند که این بازی را با ۳ امتیاز کامل ترک کردند. بنابراین عجیب نبود که بعد از مسابقه همه‌جا حرف از شجاع باشد؛ بازیکنی که شاید اتفاقات این بازی منجر به از دست رفتن رؤیای همیشگی او یعنی حضور در جام جهانی شود.

## عجیب‌تر از جاماندن

این چند روز زیاد در مورد جاماندن‌های خلیل‌زاده صحبت شده. این نخستین‌بار هم نیست که مدافع مسن تیم ملی در کورس با مهاجمان حریف جا می‌ماند. او در انتخابی جام‌جهانی قبلی در بازی با امارات هم از علی میخوت جام‌ماند و در جام‌ملت‌های آسیا نیز با وجود برتری قدی محسوس نسبت به اکرم عقیق، در نبرد هوایی مغلوب ستاره قطر شد تا کارت قرمز بگیرد. مورد خاص اخراج در بازی با کره شمالی اما از یک جهت واقعاً عجیب بود؛ اینکه هیچ مدافع حرفه‌ای در جهان در چنین موقعیتی خطایی نمی‌کند که باعث اخراج مستقیمش شود؛ از یک‌سو ایران با ۳ گل جلو بود و از سوی دیگر یک نیمه زمان مانده بود، بنابراین حتی اگر آن توپ گل می‌شد هم اتفاق عجیبی رخ نمی‌داد. به جان خریدن کارت قرمز برای جلوگیری از گل، مثلاً مال زمانی است که شما دقیقه ۸۵ یک بازی نزدیک با یک گل جلو باشید. در این صورت مهم نیست که تیم‌تان آن ۵ دقیقه آخر را با یک بازیکن کمتر بازی کند؛ مهم این است که شما باعث می‌شوید برتری حفظ شود. اینکه خلیل‌زاده در ۳۵ سالگی و با این همه سابقه بازی، در آن لحظه متوجه اصل به این سادگی نمی‌شود، واقعاً عجیب و نگران‌کننده است.

## جام جهانی از دست رفت؟

حقیقت آن است که خلیل‌زاده سال‌ها یکی از بهترین مدافعان میانی فوتبال ایران به‌شمار می‌آمد. با این حال او در آن دوران به‌خاطر سلیقه خاص کارلوس کی‌روش و اختلافاتی که با مربی بر تعالی پیدا کرده بود، به تیم ملی دعوت نمی‌شد. اینکه حق با کی‌روش بود یا نه، یک بحث دیگر است، اما شجاع با وجود بازی در پرسپولیس و کسب افتخارات زیاد، حضور در جام‌های جهانی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ را از دست داد. تنها در جام جهانی ۲۰۲۲ بود که شجاع در فهرست نهایی قرار گرفت، آن هم به‌خاطر اینکه در طول مسابقات انتخابی، او و کتمانی در تیم درواگان اسکوچیچ فیکس بودند. در آستانه جام جهانی اما کی‌روش برگشت و اینکم‌تشنین‌کردن خلیل‌زاده در قطر، زهرش را به این بازیکن ریخت. حالا که امیرقلعه‌نویی سرمربی تیم ملی شده، شجاع به ترکیب برگشته و یکسره هم در حال تجدید آرزوهایش است، اما این قبیل اشتباهات او، فشار افکار عمومی را افزایش می‌دهد و کار را برای این بازیکن سخت می‌کند. فراموش نکنیم شجاع در جام جهانی بعدی ۳۷ ساله خواهد شد و این سن، شاید برای بازی در چنان تورنمنتی بیش از حد زیاد باشد.

سعید دقیقی اعتقاد دارد تیم ملی با قلعه‌نویی نمره قبولی گرفته و از منتقدان می‌خواهد تا دوران ویلموتس را فراموش نکنند

## حالا وقت جوانگرایی است

بسیار خوبی برای صعود داریم و فراموش نکنید در دوره قبلی و با حضور ویلموتس چه اتفاقاتی رقم خورد و چگونه کار سخت شد. در وهله اول صعود به جام جهانی مهم است، ممکن است هر تیمی در بعضی از بازی‌ها روز خوب و بد داشته باشد.

## وریت چرا جوانگرایی در تیم ملی به شکلی که قابل توجه باشد، انجام نمی‌شود؟

برخی جوان‌ها مثل آریا یوسفی یا محمد قربانی در تیم بازی می‌کنند. فکر می‌کنم حالا که صعود ما به جام جهانی قطعی است، بهترین زمان برای پوست اندازی یا همان ایجاد رنسانس در تیم ملی است. ما می‌توانیم تا ۵-۴ سال آینده به فکر ایجاد تغییرات در تیم ملی باشیم، البته نه در همه پست‌ها. باید ببینیم در چه پست‌هایی می‌توانیم شرایط بهتر ایجاد کنیم ولی قطعاً تیم ملی ما به رنسانس نیاز دارد. یک زمانی برخی از بازیکنان توانمند فوتبال ایران، پشت خط فوتبال‌لیست‌هایی مثل علی دایی، خداداد عزیزی، کریم باقری، مهدی مهدوی کیا و... قرار داشتند و الان هم این‌ها را در تیم فعلی می‌بینیم. این چیزها در فوتبال طبیعی است ولی فکر می‌کنم زمانش رسیده تا در تیم ملی بیشتر به جوان‌ها میدان داده شود.

## وریت به عملکرد امیرقلعه‌نویی و تیم ملی نمره قبولی می‌دهید؟

بله، تیم ملی نتایج خوبی گرفته و نمره قبولی دارد. هر تیمی ممکن است مشکلات فنی خودش را هم داشته باشد که حتماً کادر فنی تیم ملی مسائل مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد.

واقعاً تیم شرایط خوبی نداشت و من خواستند که کمک‌شان کنم. حتی گفتند که اگر پیشنهادی به دستم رسید، می‌توانم در توافق با باشگاه جدا شوم. با وجود زمان کمی که در اختیار داشتیم، سعی کردم تیم را آماده کنم و در نهایت هم بعد از هماهنگی با مالک باشگاه جدا شدم. از خیر، مس‌فستجان و یک تیم دیگر پیشنهاد داشتیم که در نهایت خیر را انتخاب کردم و خوشحالم که در این تیم هستم. مالک باشگاه هم اهداف خوبی دارد و می‌توانیم با پشت سر گذاشتن ۲ پنجره نقل‌وانتقالاتی، شرایط خوبی را برای خیر رقم بزنیم.

## وریت ولی مالک باشگاه در مصاحبه‌ای از شما انتقاد کرد مبنی بر اینکه بدون اطلاع به تیم دیگری رفتید!

بله، ایشان اطلاع نداشتند که قرار است به تیم دیگری بروم. من همه تلاشم را برای معرفی بیشتر برند شمس‌آذر به فوتبال ایران انجام دادم و برای این تیم آرزوی موفقیت دارم.

## وریت بازی‌های تیم ملی را هم دنبال می‌کنید؟ نقد به عملکرد تیم زیاد است.

ما در زمان مدیریت مهدی تاج بیشترین صعود را به جام جهانی داشته‌ایم و عملکرد تیم ملی از لحاظ آماری خوب بوده است. ضعف و مشکل هم داریم ولی بهتر است که منصفانه نقد کنیم. تیم ملی در جدول شرایط خوبی دارد و حتی اگر بد هم بازی کرده باشد، در نتیجه‌گیری خوب عمل کرده. مهم‌ترین فاکتور که عالی بازی کرد و در نیمه‌اول بازی با کره شمالی هم خوب بود ولی در نیمه‌دوم برخی تصمیمات و برخی اتفاقات باعث شد کار سخت شود. ما الان شرایط

فرصت را به ما می‌دهد تا بیشتر روی تیم کار کنیم و با تفکرات هم بیشتر آشنا شویم.

## وریت اسمال دنبال چه جایگاهی در جدول هستید؟

برای تیمی که تازه به لیگ برتر صعود کرده، اولویت ماندن در لیگ است. هدف دوم هم کسب جایگاه بهتر است.

## وریت از فصل گذشته چندبار برای ترک شمس‌آذر اقدام کردید و این کار شما با انتقادات زیادی همراه شد. در این باره صحبت می‌کنید؟

سال گذشته بحث جدایی‌ام از شمس‌آذر رفتن به مس‌فستجان توافقی و برای کسب درآمدزایی بود. در نهایت هم توافقی بین ۲ باشگاه صورت نگرفت و من به شمس‌آذر برگشتم. در واقع آن تصمیم بدون هماهنگی باشگاه نبود. بعد از اتمام فصل هم مربی آزاد بودم و حق داشتم به تیم جدید بروم. ملوان را انتخاب کردم که تیم جذاب و پرطرفداری است. در صحبت‌هایی که با آقای دنیاامالی، رئیس مجمع باشگاه ملوان داشتم، قرار شد مشکلات تا یک‌ماه برطرف شود ولی بعد از یک‌ماه او به من گفت امکان اینکه مشکلات به‌زودی حل شود، وجود ندارد. طبق توافقی که داشتم، امکان جدایی من وجود داشت و من هم تصمیم گرفتم که در آن تیم نمانم. در همان ۲۵ روزی هم که در ملوان کار کردم، نهایت تلاشم را به خرج دادم که به این تیم کمک کنم.

## وریت چرا دوباره به شمس‌آذر برگشتید که شرایط خوبی نداشت؟

